



کانت زمان و مکان را همچون نقطه عطفی از فیزیک وارد فلسفه کرد

یک دانشیار دانشگاه تبریز با بیان اینکه قبل از کانت نگاه به دانش جغرافیا وجهه علمی پیدا نکرده بود و بنیانگذار مبانی فلسفی این تفکر کانت بوده است، گفت: کانت یکی از بنیانگذاران دانش جغرافیاست.

یک دانشیار دانشگاه تبریز با بیان اینکه قبل از کانت نگاه به دانش جغرافیا وجهه علمی پیدا نکرده بود و بنیانگذار مبانی فلسفی این تفکر کانت بوده است، گفت: کانت یکی از بنیانگذاران دانش جغرافیاست.

دکتر یوسف نوظهور دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز گفتگو با خبرنگار مهر با بیان اینکه کانت در عرصه تفکر بزرگترین تأثیر را در دو سده اخیر بر جای گذاشت، گفت: کل مبانی فکری دنیای غرب در 200 سال اخیر هم از جهت مثبت و هم منفی به نحوی از کانت تأثیر گرفته است. در واقع کانت بر دو دوره تأثیر گذاشت، دوره ماقبل نقدی و دوره نقدی. در دوره ماقبل نقدی، کانت در همه حوزه های علوم رایج زمان خود وارد می شد از جمله در فیزیک و ریاضیات نیز اندیشه پردازی می کرد.

وی افزود: کانت در دوره نقادی بیشتر هم و غم خود را به بررسی شرایط تحقق شناخت انسان در عرصه فلسفه نظری، اصول بنیادین اخلاق و حوزه فلسفه هنر و زیبایی شناسی صرف کرد و در هر یک از این حوزه ها آثار و کتاب های ارزشمندی از خود بر جای گذاشت. در عرصه فلسفه نظری کتاب «نقد عقل محض»، در حوزه فلسفه عملی کتاب «نقد عقل عملی» و در حوزه فلسفه هنر «نقد قوه حکم» را می توان نام برد. آن چیزی که بیشتر از کانت معروف است همین سه نقد اوست.

نوظهور تصریح کرد: کانت بیشتر در حوزه متافیزیک و منطق، کرسی درس داشت اما در کنار این، درس های عمومی متعددی از جمله در حوزه انسان شناسی و جغرافیا برگزار می کرد. در واقع جغرافیا یکی از موضوعات مورد توجه او بود.

این استاد فلسفه ادامه داد: کانت در فلسفه نظری با بحثی به نام زمان و مکان شروع کرد. البته مسئله زمان و مکان در فیزیک نیز مطرح بود ولی کانت آن را همچون نقطه عطفی وارد فلسفه خود کرد.

این استاد فلسفه اظهارداشت: جغرافیا دانشی است که محیط انسان و طبیعت را مورد بررسی قرار می دهد ولی انسان شناسی خود انسان را مورد مطالعه قرار می دهد، ولی کانت می گفت هدف طبیعت، انسان است. انسان در محیط می بالد، تفکر می کند و افکار و اندیشه های خود را عرضه می کند. بنابراین برای شناخت انسان باید محیط و جغرافیای انسان را بشناسیم.

وی درباره نگاه اندیشمندان قبل از کانت به دانش جغرافیا گفت: در قرن هفدهم نیوتن بحث زمان و مکان را از منظر فیزیک مورد بررسی قرار داده بود. قبل از نیوتن نگاه به مسئله زمان و مکان کاملاً ارسطویی بود. یعنی بر اساس طبیعیات و فیزیک ارسطو جهان را تقسیم می کردند. یعنی آن نگاه به انسان در محیط جغرافیایی و در زمان و مکان خاص خود، اندیشه ها و روابط فی مابین انسان و محیط به هیچ وجه مطرح نبوده یا مهم تلقی نمی شد. به نظر می رسد کانت یکی از بنیانگذاران دانش جغرافیا بود. قبل از کانت نگاه به این دانش وجهه علمی پیدا نکرده بود و بنیان گذار مبانی فلسفی این تفکر کانت بود.

عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز درباره تغییراتی که کانت در دانش جغرافیا ایجاد کرد، گفت: می دانیم که در فیزیک نیوتن زمان و مکان ظرف مطلق اشیاء هستند. یعنی اشیاء و پدیده ها در ظرف زمان و مکان قرار گرفته اند، اما کانت این طور عنوان کرد که زمان و مکان دو ظرف ادراک ذهنی و نه عینی هستند. وقتی زمان و مکان شرط پیشینه ادراکات ما تلقی شوند هر چیزی که ما درک می کنیم باید در قالب این دو باشند. به تعبیری اشیاء در وهله اول باید در ظرف مکان و زمان قرار بگیرند تا برای ما قابل ادراک شوند.

نوظهور توضیح داد: چیزهایی که از فیلتر زمان و مکان می گذرند و به ما عرضه می شوند کانت در اصطلاح به آن پدیدار می گفت و در مقابل به اشیائی که در قالب زمان و مکان قرار نمی گیرند و برای ما قابل شناسایی نیستند «فی نفس» عنوان نهاد. این مهمترین تحولی است که کانت در مسئله زمان و مکان ایجاد کرد.

مترجم کتاب «نظریه تألیفی پیشینی کانت» یادآور شد: زمان و مکان دو ظرفی هستند که به همه معرفت ها و آگاهی های انسانی شکل می دهند. اگر بخواهیم انسان را بشناسیم باید بر زمان و مکان هم شناخت داشته باشیم. آنچه با زمان ارتباط پیدا می کند تاریخ نام می گیرد و آنچه با مکان ارتباط دارد جغرافیاست. به این ترتیب کانت از راه فلسفی تاریخ و جغرافیا را یکی از مهمترین علوم انسانی قلمداد کرد.

این استاد فلسفه در پاسخ به این سؤال که کانت با این نظریه خود در خصوص دانش جغرافیا چه تأثیراتی را در حوزه فلسفه و اخلاق گذاشت؟ گفت: یکی از ابعاد مختلف فکری کانت مباحث تربیتی است. وی معتقد بود انسان در محیط شکل می گیرد. بنابراین برای موضوعات تربیتی و فراهم آوردن زیست اخلاقی و به علوم رساندن فضایل اخلاقی باید به محیط انسان توجه کرد. وی تصریح کرد: از نظر کانت نمی توان انسان را به صورت انتزاعی و جدا از محیط خود در نظر بگیریم و بر این اساس باید برای او مبادی و اصول راهبردی و اخلاقی تعیین کنیم. در حقیقت انسان را باید در مکان و زمان خود لحاظ کرده و در آن شرایط در مورد اصول لازم برای تربیتش بیندیشیم. اینکه چه اصولی برای تربیت او لازم است و چه راه هایی را باید در نظر بگیریم که این انسان بتواند به شکوفایی عقلی و به بلوغ فکری خود برسد و بتواند یک انسان اخلاقی تلقی شود.

نوظهور گفت: مهمترین نظریه کانت نقد انسان اخلاقی است که در هر موقعیتی قرار می گیرد با توجه به عقل خود تکلیفش را مشخص و به آن عمل می کند. در چنین شرایطی یعنی عمل بر اساس تکلیف، انسان یک انسان اخلاقی می شود. وقتی فردی

برای رضایت و توجه دیگران کاری انجام دهد حتی اگر نتایج خوبی در بر داشته باشد آن کار، کار اخلاقی محسوب نمی شود. نویسنده کتاب «رابطه عقل و وحی و دین و دولت در فلسفه اسپینوزا» درباره وضعیت این قبیل مباحث کانت در دوره های بعد از او گفت: ما کانت را به عنوان فیلسوف دوره روشنگری می شناسیم. بعد از او تحولات فکری مختلفی رخ داد و در حقیقت بشر از اصول و موازین کانت عبور و علوم نیز شاخه های مختلفی پیدا کرد. نکته اینجاست که مبانی فکری کانت و جهت گیری و رویکردی که کانت داشت به مباحث بعد از او جهت داده بود. یعنی مباحث سایر اندیشمندان یا در جهت تداوم بخشی به نظریات کانت بوده یا جنبه انتقادی داشته و در جهت نقد تفکر کانت بود.

این استاد فلسفه در پاسخ به این سوال که جغرافیای مورد توجه کانت جغرافیای شهری، طبیعی یا انسانی است؟ گفت: به نظر می رسد جغرافیای طبیعی بیشتر مورد نظر و علاقه کانت است. اینکه طبیعت چگونه کار می کند، رودخانه ها و دریاها از کجا و چگونه سرچشمه می گیرند، پستی و بلندی های زمین چطور تشکیل می شود و سؤالهایی از این دست مورد توجه کانت بوده است. البته ناگفته نماند توجه و علاقه کانت کاملاً مرتبط با نگرش فلسفی او بود که می خواست انسان را محور و مدار شناخت و معرفت قرار دهد.

نوظهور افزود: معروف است کانت در عمر 80 ساله خود از زادگاهش خارج نشد، اما اطلاعات وسیع جغرافیایی از اطراف و محیط های دیگر داشت آنگونه که آن محدوده ها را به صورت حضوری دیده و مورد بررسی قرار داده است. همین موضوع یعنی عدم مسافرت کانت به مناطق مختلف و در مقابل دانش جغرافیایی وسیع او سبب تحیر و تعجب دوستانش می شد. وی یادآور شد: کانت در درس گفتارهای خود بحث تاریخ و جغرافیا یا محیط انسان و به طور کلی انسان شناسی را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. گفته می شود این درس گفتارها به قدری برای دانشجویان جذابیت داشته که به صورت آزاد نیز در این کلاس ها شرکت می کردند.